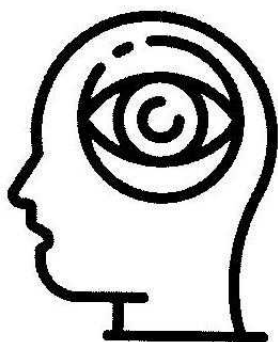


بینایی ذهن



اولیور ساکس

نویسنده کتاب پرفروش "مردی که زنش را با کلاه اشتباه می گرفت"

مترجم: امیرحسین قافله‌باشی



نشر راوشید

www.ravshid.ir

ISBN: 978-622-7458-73-2



سرشناسه : ساکس، اولیور، ۱۹۳۳-۲۰۱۵م.

Sacks, Oliver, 1933-2015

عنوان و نام پدیدآور : بینایی ذهن / اولیور ساکس ؛ مترجم امیرحسین قافله‌باشی.

مشخصات نشر : کرج: راوشید، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص.

شابک : 978-622-7458-73-2

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان اصلی: The mind's eye, C2010.

موضوع : ارتباط -- اختلالات -- به زبان ساده

موضوع : Communicative disorders -- Popular works

موضوع : اختلالات شناختی -- به زبان ساده

شناسه افزوده : قافله‌باشی، امیرحسین، ۱۳۷۷-، مترجم

رده بندی کنگره : RC۴۲۳

رده بندی دیویی : ۸۵۵/۶۱۶

شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۸۷۱۷۷



راوشید

www.ravshid.ir

عنوان کتاب: بینایی ذهن

مؤلف: اولیور ساکس

مترجم: امیرحسین قافله‌باشی

ناظر کیفی: عباس احمدی

ناشر: راوشید

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰

چاپخانه/صحافی: گیتی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۵۸-۷۲-۵

قیمت: ۴۵۵۰۰ تومان

تلفن مرکز پخش: ۰۲۶۳۶۵۲۷۱۹۴-۰۹۳۶۲۸۰۹۱۸۲

انتشارات راوشید: البرز، کرج، فردیس، تقاطع بلوار بهاران و بلوار امام خمینی، نستر غربی،

کوی شهید شجاعی، پلاک ۳۹-تلفن: ۰۲۶۳۶۵۲۷۱۹۴-۰۹۳۶۲۸۰۹۱۸۲

بر طبق قاعده حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، چاپ، پخش یا عرضه نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سخن مترجم..... ۵

پیش گفتار..... ۷

وزن خوانی..... ۹

بازگشت به زندگی..... ۲۳

مرد کلمات..... ۳۳

چهره پریش..... ۴۷

دنیای سه بعدی سو..... ۶۲

بازمانده بینایی: برش هایی از دفتر خاطراتم..... ۷۸

بینایی ذهن..... ۱۰۶

سخن مترجم

«ایننا بی‌نوا نیست؛ بی‌نوايي از آن کسی است که تاب ناینایی را ندارد.»

- جان میلتن



اولیور ولف ساکس، عصب‌شناس انگلیسی-آمریکایی، در سال ۱۹۲۳ دیده به جهان گشود. پدر و مادرش هر دو پزشک بودند (مادرش از نخستین جراحان زن شاغل در بریتانیا بود) و او نیز تحت تأثیر فضای خانواده، قدم در این مسیر گذاشت. وی تحصیلات خود را از کوئینز کالج آکسفورد آغاز نمود در ادامه به ایالات متحده مهاجرت کرد و پس از اتمام تحصیل در دانشگاه کالیفرنیا، از سال ۱۹۶۵ در این کشور به طبابت پرداخت.

در سال ۱۹۶۶، پس از مشغول به کار شدن در بیمارستان بث/براهام نیویورک، با گروهی از بازماندگان همه‌گیری انسفالیت لئارگیکا (بیماری خواب) در دهه ۱۹۲۰ مواجه شد؛ بیمارانی که به مدت بیش از چهل سال علاوه بر ناتوانی در حرکت دادن اعضای بدن خود (وضعیتی شبیه به پارکینسون)، در حالتی خلسه‌مانند به سر می‌بردند.

ساکس تلاش کرد با بهره‌گیری از داروی جدیدی به نام ال‌دوپا به درمان آنان بپردازد، اما این روش علی‌رغم نتایج امیدبخش اولیه چندان موفق نبود. با این حال، این پژوهش‌ها منجر به کسب درکی بهتر از بیماری پارکینسون شد و ساکس تجربیات خود را در کتابی به نام *بیماری‌ها* (۱۹۷۳) به چاپ رساند. در سال ۱۹۹۰ با اقتباس از این کتاب فیلمی به همین نام، با بازی رابرت دنیرو و رابین ویلیامز (در نقش اولیور ساکس) ساخته شد و نامزد جایزه اسکار گردید.

محبوب‌ترین اثر ساکس، کتابی است به نام *مردی که زنش را با کلاه اشتباه می‌گرفت*. با وجود گذشت حدود چهل سال از چاپ نخست، این کتاب همچنان مورد استقبال خوانندگان قرار دارد. سایر کتاب‌های او نیز مشتاقان بسیاری دارند و چندین و چند مقاله نیز به قلم او در مجله‌هایی چون *نیویورکر*، *نیویورک ریویو/آو بوکر* و مجلات تخصصی علم اعصاب به چاپ رسیده است. دکتر ساکس در سی‌ام اوت ۲۰۱۵ پس از سال‌ها مبارزه با سرطان، در ۸۲ سالگی چشم از جهان فرو بست.

اولیور ساکس علاوه بر چیره‌دستی در پزشکی، فیلسوفی بود که دید ما را نسبت به خویشتن و هویت خود تغییر داد. داستان‌سرایی بود که اعماق ذهن انسان را به ما نمایاند، و هنرمندی بود که با ترسیم پرتره‌هایی تأثیرگذار از آدمی در مواجهه با دشواری‌های جسمی و روحی، تصویری متفاوت از بشریت پیش چشم ما نهاد. وی بیماری را نه به مثابه پدیده‌ای بیولوژیک، که به عنوان مرحله‌ای از تجربیات زیسته انسان می‌دانست که علاوه بر جسم، قلب و روان و هویت افراد را به طرزی غریب تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اولیور ساکس کوشید تا با قلم گیرای خود پنجره‌ای به روی شگفت‌انگیزترین توانایی‌های مغز و روح آدمی بگشاید و به مخاطبان خود نشان دهد که در همه حال راهی برای غلبه یا کنار آمدن با مشکلات وجود دارد؛ حتی اگر خود، آگاهانه آن را نیابیم، مغز ما هرگز دست از تلاش بر نمی‌دارد. چنان که در کتاب خواهید خواند، در بسیاری از مراجعان دکتر ساکس این تقلای خستگی‌ناپذیر مغز به نتایجی باورنکردنی ختم شده است.

او عقیده داشت با شناخت گسترده‌تر بیماری‌های پنهان و پدیده‌های عصبی به ظاهر باورنکردنی، می‌توان زندگی قشر عظیمی از مردم جهان را (که بعضاً از بیماری‌های خویش آگاه نیستند و مشکلات پیش آمده را ناشی از عوامل دیگر می‌دانند) از تباهی نجات داد و باری از دوش این مردم رنج‌دیده برداشت.

با وجود انتشار ترجمه‌های فارسی از کتاب محبوب مردی که زرش را با کلاه اشتباه می‌گرفت، سایر آثار و ابعاد شخصیت اولیور ساکس چندان در بین مخاطبان ایرانی شناخته شده نیست. پس از مطالعه کتاب بینایی ذهن و آشنایی با چنین نمونه‌هایی از تقلا و انعطاف‌پذیری انسان در برابر درد، بیماری و ناتوانی، تصمیم گرفتم این تجربه شگفت‌انگیز را با خوانندگان فارسی‌زبان در میان بگذارم.

اثر پیش روی شما به هیچ وجه هم‌تراز قلم گرم و تأثیرگذار اولیور ساکس نیست، با این حال امیدوارم قدمی هرچند ناچیز در راستای شناخت بیشتر جسم و جان آدمی برداشته باشم. شایسته است از زحمات انتشارات گران‌سنگ راوشید و حمایت بی‌دریغ خانواده عزیز و دوستان صمیمی حیدرزاده و علی دائمی که امکان قتردانی را به عمل آورم، چرا که بدون اعتماد و پشتیبانی آنان، هرگز یارای قدم گذاشتن در این مسیر را نداشتم.

ترجمه و چاپ کتاب بینایی ذهن در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ انجام شد؛ تاریخ روایت خواهد کرد که بشر چگونه در مواجهه با این آزمون بزرگ دست از امید بر نداشت و بیش از پیش به اهمیت شگفت‌انگیزترین داشته خود، یعنی زندگی پی برد...

— امیرحسین قافله‌باشی

شهریور ۱۴۰۰